

به دستور دادستان کرمانشاه آغاز شد

## برخورد با مقصران

### حادثه سقوط ملادر فرزند به چاه



**گروه حوادث/**

همزمان با فرو نشست وحشتناک زمین و سقوط یک مادر و فرزند به داخل چاه، دادستان کرمانشاه دستور شناسایی مقصران این حادثه و برخورد با خاطیان را صادر کرد.

چند روز قبل زن جوانی در حالی که نوزاد ۲۷ روزه‌اش را در آغوش داشت و از پیاده رویلوار گلسرخ کرمانشاه عبور می‌کرد ناگهان زمین دهان باز کرد و این مادر و فرزند را بلعید. در همین موقع مرد جوانی بلافاصله وارد چاه شد و ابتدا نوزاد و سپس مادرش را با کمک حاضران در محل بیرون کشیده و از مرگ نجات دادند.

پس از انتشار تصاویر این حادثه هولناک در فضای مجازی بیژن مرادی، شهردان منطقه یک کرمانشاه توضیحاتی ارائه داد. وی در این باره به فارس گفت: این چاه‌ها مربوط به فاضلاب خانگی است که پیش از ساخت و تأسیس شبکه فاضلاب شهری توسط مالکان احداث شده بود. در حدود ۴۰-۳۰ سال گذشته که منازل مسکونی این منطقه ساخته شده است برای دفع فاضلاب خانگی چاه‌های دفع فاضلاب جذبی حفاری می‌کردند.

مرادی ادامه داد: پس از ایجاد شبکه فاضلاب شهری در این مناطق، این چاه‌های دفع فاضلاب توسط مالکان از زده خارج شدند و باید خود مالکان این چاه‌ها را خاکریزی و پرمی‌کردند که بعدها دچار ریزش دهانه نشود. از سال‌های گذشته تاکنون در معابر منطقه هیچ اثری از این گونه چاه‌ها مشاهده نشده است و از طرفی مالکان این منطقه به شهرداری وجود چنین طرح‌هایی را اطلاع‌رسانی نکرده بودند تا شهرداری برای رفع خطر و پر کردن این چاه‌ها اقدام کنند.

با این حال پس از این حادثه به تمامی پلاک‌های ثبتی سطح منطقه یک به‌صورت کتبی اخطار شد که اگر در گذشته از چاه‌های فاضلاب جذبی استفاده می‌کردند به شهرداری اعلام کنند که با همکاری مالک این عملیات خاکریزی و پر کردن آن سریع انجام شود.

براساس این گزارش معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان کرمانشاه در خصوص فرو رفتن زمین در یکی از معابر سطح شهر، به دستور دادستان پرونده قضایی برای خاطیان تشکیل شده و در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب در حال تحقیق و تعقیب است تا مقصران حادثه شناسایی و برخورد قضایی با آنها انجام شود.

**گروه حوادث/**

پرونده مرگ پسر نوجوان در کانون اصلاح و تربیت در حالی برای دومین بار در دادگاه کیفری رسیدگی شد که متهم این پرونده همچنان منکر اتهام خود است.

بر دیهشت سال ۹۷ خبر مرگ مشکوک پسر نوجوان در کانون اصلاح و تربیت به پلیس اعلام شد. وقتی جسد به دستور بازپرس برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد کارشناسان اعلام کردند وی بر اثر اصابت جسم سخت به سرش جان باخته است. با شروع تحقیقات مشخص شد مقتول با یکی از پسران کانون درگیر شده بود بنابراین وی بازداشت شد.

پسر نوجوان وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: من به اتهام مواد مخدر در

**گروه حوادث/**

مرد جوان که برای دقایقی کودکش را داخل خودرو با بخاری روشن رها کرده و به داخل خانه رفته بود وقتی به آنجا برگشت با پیکر بی‌جان پسر بچه روبه رو شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل افسر کشیک کلانتری ۱۱۳ بازار در تماس با بازپرس مصطفی واحدی، از مرگ پسر ۸ ساله‌ای خبر داد و گفت: مرد جوانی نامه‌ای از بیمارستان آورده مبنی بر فوت پسر ۸ ساله‌اش و خواهان رسیدگی و دستور لازم در رابطه با مرگ کودک است. بدین ترتیب بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور داد تا تیم تحقیق راهی بیمارستان شده و در رابطه با مرگ کودک تحقیقات صورت گیرد. در بررسی‌های اولیه کادر اورژانس بیمارستان اعلام کرد زمانی که کودک

به بیمارستان منتقل شده، فاقد علائم حیاتی بوده و کادر درمان موفق به احیای کودک نشده‌اند.

پدر این کودک که بشدت ناراحت بود و گریه می‌کرد در تحقیقات گفت: ما معمولاً با خودرو رفت و آمد نمی‌کنیم به همین دلیل برای اینکه باتری ماشین خراب نشود هر چند وقت یکبار، ماشین را روشن می‌کنم تا کمی کار کند و بعد هم آن را خاموش می‌کنم.

او ادامه داد: شب حادثه به همراه پسر ۸ ساله‌ام برای روشن کردن خودرو به خیابان رفتیم، ماشین را روشن کردم که پسرم گفت برویم کمی برگردیم من هم قبول کردم و از آنجایی که لباس بیرون پوشیده بودم به پسرم گفتم صبر کن تا من به خانه بروم و برگردم. چون هوا سرد بود بخاری ماشین را برایش روشن کردم. بعد از

**گروه حوادث/**

خواننده محلی استان کهگیلویه و بویراحمد که به علت سوختگی شدید در بیمارستان بستری بود پس از ۱۰ روز جدال بین مرگ و زندگی جان باخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۱ صبح جمعه ۱۴ آبان گزارش انفجار یک خانه در شهرک ولایت شهر یاسوج به آتش‌نشانی و اورژانس اعلام شد. وقتی امدادگران برای بررسی ماجرا به محل حادثه رفتند مشخص شد خانه متعلق به سجاد رزمجو خواننده مطرح و سرشناس یاسوجی است که به علت نشستن گاز خانه‌اش منفجر شده است. بنابراین بلافاصله او که دچار سوختگی شدیدی

شده بود به بیمارستان شهید بهشتی یاسوج منتقل و اقدام‌های درمانی آغاز شد.

اما پس از درمان‌های اولیه در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج وی به بیمارستان امیرالمؤمنین شیراز منتقل شد که در آنجا نیز درمان‌ها مؤثر واقع نشد و در حالی که این مرد ۴۱ ساله حدود ۱۰ روز در بیمارستان تحت مراقبت‌های ویژه قرار داشت سرانجام شامگاه دوشنبه ۲۴ آبان به علت عفونت شدید جان باخت. دکتر عبدالخالق کشاورزی فلوشیپ فوق تخصص جراحی سوختگی بیمارستان امیرالمؤمنین شیراز با اعلام میزان سوختگی سجاد رزمجو گفت: وی دچار سوختگی درجه ۳ و ۶۴ درصدی شده بود که بلافاصله

## مرگ غم انگیز پسر بچه

## در خودروی پدر

نیم ساعت، وقتی برگشتم دیدم پسرمر روی صندلی جلو نشسته اما انگار خوابیده و چشم‌هایش بسته است. صدایش کردم جواب نداد چندین بار به شیشه ماشین کوبیدم اما باز هم هیچ جوابی نداد. با نگرانی شروع به کشیدن دستگیره درها کردم اما همه درها از داخل قفل شده بود محکم به شیشه‌ها می‌کوبیدم و فریاد می‌زدم.

درها هم از داخل قفل شده بود. با سر و صدای من همسایه‌ها خودشان را به خیابان رسانده و کمک کردند تا شیشه ماشین را شکسته و بچه را به اورژانس رساندیم.

در ادامه بررسی‌ها؛ به دستور بازپرس جنایی، تیم تحقیق به سراغ همسایه‌ها رفته و یکی از آنها گفت: شب بود که متوجه سر و صدا از داخل خیابان شدیم. از پنجره که بیرون را نگاه کردم؛ دیدم همسایه‌مان

است که محکم به شیشه می‌زند و بچه‌اش را صدا می‌کند. با صدای مرد همسایه، خودم را به خیابان رساندم و همسایه‌های دیگر هم به دنبال این سر و صدا به ما ملحق شدند. با کمک همسایه‌ها شیشه خودرو را شکستیم و بچه بی‌هوش را بیرون آوردیم. به آتش‌نشانی و اورژانس هم زنگ زدیم؛ اورژانس وقتی به محل رسید گفت بچه علائم حیاتی ندارد حتی سعی کردند که بچه را احیا کنند اما موفق نشدند. با این حال او را به بیمارستان منتقل کردند.

در ادامه مشخص شد که خودروی پژو ۴۰۵ این خانواده دوگانه سوز است. بدین ترتیب بازپرس جنایی دستور تعیین کارشناس برای بررسی سیستم سی‌ان‌جی خودرو و همچنین تحقیق از همسایه‌ها و پدر کودک را صادر کرد.

جسد نیز برای تعیین علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی انتقال داده شد تا پس از انجام کارهای کارشناسی و اعلام نظریه پزشکی قانونی، تحقیقات تکمیل شود.

## سوختگی شدید جان خواننده محلی را گرفت



بعد از انتقال وی به این بیمارستان روند درمانی آغاز شد اما به علت شدت سوختگی و عفونت نتوانستیم او را نجات دهیم.

مأموران او را کتک زده اند حذف شده است. باور کنید من در مرگ او دخالتی نداشتم. قبول دارم درگیری ما باعث شد سرش به زمین اصابت کند اما ضربه آنقدر شدید نبود که موجب مرگش شود.

سپس وکیل متهم به دفاع پرداخت و گفت: پزشکی قانونی در گزارشی علت مرگ را اصابت جسم سخت به سر اعلام کرده است. اما به وضوح گفته‌ایم این ضربه ناشی از برخورد سر قربانی با زمین بوده یا به خاطر ضربه‌هایی که در جریان درگیری با مأموران به وی وارد شده است. بنابراین تحقیقات درباره این پرونده تکمیل نیست.

در پایان جلسه قضات پس از شنیدن اظهارات طرفین پرونده برای صدور رأی وارد شور شدند.

اینکه قضات خواستند تا فیلم‌های دوربین مداربسته کانون مورد بررسی قرار گیرد و مدارک پزشکی و سابقه بیماری قربانی و همچنین نظر پزشکی قانونی درباره علت مرگ است. با این حال وقتی جسد پسرمر را دیدم روی بدنش آثار کبودی و جراحات بود و فکر کنم پسرمر به قتل رسیده است. به همین خاطر تقاضای اشد مجازات برای عامل قتل را دارم. البته از مسئولان کانون و نگهبانانی که پسرمر را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند هم شکایت دارم. پس از آن متهم با تکرار اظهاراتش مدعی شد که وی در قتل دوستش نقشی نداشته است.

در پایان جلسه قضات با طرح چهار ایراد پرونده را به دادسرا برگرداندند تا پس از رفع ایرادها دوباره به دادگاه برگردد. ضمن

نفر از نگهبان‌های کانون درگیر شده و کتک خورده است و از من خواست تا برایش لباس ببرم. اما چند ساعت بعد با من تماس گرفتند و گفتند که پسرمر با خوردن قرص خودکشی کرده است. با این حال وقتی جسد پسرمر را دیدم روی بدنش آثار کبودی و جراحات بود و فکر کنم پسرمر به قتل رسیده است. به همین خاطر تقاضای اشد مجازات برای عامل قتل را دارم. البته از مسئولان کانون و نگهبانانی که پسرمر را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند هم شکایت دارم. پس از آن متهم با تکرار اظهاراتش مدعی شد که وی در قتل دوستش نقشی نداشته است.

در پایان جلسه قضات با طرح چهار ایراد پرونده را به دادسرا برگرداندند تا پس از رفع ایرادها دوباره به دادگاه برگردد. ضمن

### نجات ۱۵ محکوم به مرگ

### با تلاش شورای حل اختلاف

**گروه حوادث/** شورای حل اختلاف استان البرز در یک سال گذشته ۱۵ محکوم به قصاص نفس را از مجازات نجات داد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری البرز، حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز با اشاره به تلاش‌های انجام شده در شورای حل اختلاف استان البرز برای ایجاد صلح و سازش در پرونده‌های مختلف گفت: از آبان سال گذشته تا آبان امسال، ۱۵ فقره پرونده قصاص نفس با تلاش شورای حل اختلاف استان منجر به رضایت شده بدین معنی که ۱۵ نفر از افرادی که طبق مقررات باید قصاص می‌شدن با همت شورای حل اختلاف و البته مناعت طبع اولیای دم از اعدام رهایی یافته که عمده آنها پس از تحمل جنبه عمومی جرم به آغوش خانواده باز می‌گردند.

وی افزود: در برخی موارد رئیس شورای حل اختلاف استان به منازل افراد مراجعه کرده و ساعت‌ها مذاکره و گفت‌وگو برای جلب رضایت از اولیای دم داشته است.

فاضلی هریکندی با تقدیر از تلاش مجموعه شورای حل اختلاف استان متذکر شد: وقتی از شورای حل اختلاف و نهاد صلح و سازش صحبت می‌کنیم منظور مجموعه‌ای از افراد هستند که در این مسیر کام بر می‌دارند و شورای حل اختلاف نقش محوری برعهده دارد، یعنی علاوه بر معتمدین، ریش‌سفیدان و خیرین، قضات اجرای احکام نیز در این مجموعه نقش مهم و حیاتی دارند.

■ چهارشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۰  
■ سال بیست و هفتم  
■ شماره ۷۷۷۵

نخستین بازپرس زن دادسرای ویژه نوجوانان در گفت و گو با «ایران»

### دوری با حس مادرانه یا قضاوت عادلانه

شاید تا سال ۱۳۴۸ که نخستین بازپرس و قاضی زن در ایران با موافقت وزیر دادگستری وقت شروع به کار کرد کمتر کسی فکری می‌کرد که یک زن بتواند بر مسند قضاوت تکیه زده و عادلانه و منصفانه حکم صادر کند. اما با انتصاب «میمنت چوبک» که در تاریخ این سرزمین از او به‌عنوان نخستین قاضی و بازپرس زن ایران یاد می‌شود این ذهنیت رنگ باخت و پس از آن نیز زنان دیگری در این جایگاه مقدس نشستند تا نشان دهند در این مقام نیز می‌توانند همچون مردان انجام وظیفه کنند. هرچند پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای مدتی حضور زنان در این میدان تا حدودی کم‌رنگ شد اما در سال ۱۳۹۵ دادستان وقت با انتصاب دوزن بازپرس، تحولی بزرگ را در دستگاه قضایی کشور ایجاد کرد و بار دیگر این مسیر برای زنانی که شیفته خدمت در دستگاه قضا و عدالت بودند باز شد.

«مهری درویشی» که از اسفند سال ۱۳۹۵ به دستور رئیس وقت قوه قضائیه به‌عنوان بازپرس ویژه جرایم اطفال و نوجوانان در دادسرای عمومی و انقلاب تهران (ویژه نوجوانان) مشغول به کار شده یکی از طلیعه داران این عرصه است. ۱۹ سال سابقه کار دارد و تاکنون به ده‌ها پرونده قتل و سرقت که مرتکبان آن کودکان و نوجوانان بوده‌اند رسیدگی کرده است. پای صحبت‌های این بانوی قاضی نشستیم تا گوشه‌ای از سختی‌های کار قضاوت را با او تجربه کنیم.



■ برخی افراد معتقدند قضاوت برای زنان کار سختی است تاچه حد با این تفکر موافقت؟

رسیدگی به پرونده‌های جنایی، تحقیق برای کشف حقیقت و تشخیص حق از باطل و شناسایی مجرم کاری سخت است که نیازمند علم و آگاهی، تجربه و تدبیر است و این برای قضات مرد هم کاری حساس و سخت است و البته برای خانم‌ها تا حدودی سخت‌تر چرا که همه می‌دانند به‌خاطر حس مادرانه و عطوفت و ترحم که به‌طور معمول در زنان بیشتر دیده می‌شود ممکن است گاهی در رسیدگی به یک پرونده بخصوص پرونده‌هایی که طرفین کودک هستند بین عقل و احساس دچار تردید شوند و این قضاوت باعث فرسودگی آنها می‌شود. از سوی دیگر چون تحقیقات مقدماتی در تمامی جرایم ارتكابی از سوی نوجوانان بجز جرایمی که طبق قانون به‌طور مستقیم باید در دادگاه رسیدگی شود، در دادسرا برعهده بازپرس است این سختی کار را بیشتر می‌کند.

■ چگونه قدم به عرصه قضاوت گذاشتید؟

بانوچه‌ها به اینکه بعد از انقلاب اسلامی در کشور بازپرس زن نداشتیم وقتی ریاست وقت قوه قضائیه با طرح به کارگیری بازپرس‌ان زن موافقت کردند نظریه اینکه در آن زمان، بنده به‌مدت ۱۴سال به‌عنوان دادیار، در شعب تحقیق و اجرای احکام و نظارت بر زندان، انجام وظیفه می‌کردم، تصمیم گرفتم که به‌عنوان بازپرس نیز در شعب بازپرسی داوطلب شوم. البته با آگاهی کامل قدم در این راه گذاشتم و می‌دانستم این کار بسیار وقت گیر و نیازمند تمرکز و دقت بالاست و شاید به زندگی خصوصی‌ام لطمه بزند هرچند که سعی کردم در این سال‌ها چنین مشکلی رخ ندهد.

■ مراحل رسیدگی به یک پرونده در این دادسرا چگونه است؟

پس از تشکیل پرونده و تحقیقات اولیه برای متهمان که در سن نوجوانی هستند پرونده شخصیت تشکیل می‌شود که شامل گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین گزارش پزشکی و روانپزشکی است. سپس از قضات آموزش دیده و بان تجربه برای رسیدگی به پرونده‌ها و انجام تحقیقات مقدماتی استفاده کرده و سعی می‌کنیم در مرجع قضایی از مداخله حلقی مرجع انتظامی بهره ببریم. همچنین از به کارگیری دستبند و پابند و لباس مخصوص زندانبان در خصوص کودکان و نوجوانان بزهکار و معارض با قانون استفاده نمی‌کنیم.

در مراحل بعدی سعی می‌کنیم در شعبه صلح شورای حل اختلاف که در محل مجتمع با هدف برقراری صلح و سازش و جلب رضایت شاکی‌ها تشکیل شده در پرونده‌های اتهامی کودکان و نوجوانان از ورود آنان به فرایند کیفری جلوگیری کنیم. در غیر این صورت پرونده به محاکمه کیفری ارسال می‌شود.

■ جرایمی که در این دادسرا رسیدگی می‌شود با جرایم بزرگسالان متفاوت است؟

برخلاف تصور برخی که فکر می‌کنند تعداد پرونده‌های جرایم ارتكابی توسط نوجوانان اندک بوده یا نوجوانان جرایم سبک‌تری نسبت به بزرگسالان انجام می‌دهند، باید گفت در برخی موارد نوجوانان همانند بزرگسالان، جرایم سنگینی مانند قتل، آدم‌ربایی، سرقت و... مرتکب می‌شوند که به تمامی جرایم نوجوانان در دادسرای ویژه نوجوانان و فقط از سوی بازپرس این دادسرا رسیدگی می‌شود.

■ رسیدگی به کدام پرونده برایتان دشوارتر از سایر پرونده‌ها بود؟

۲۷ مهر یا رسال درگیری ۷ نفر در منطقه تهرانپارس رخ داد و یک جوان بسیجی مورد ضرب و جرح با چاقو قرار گرفت و به شهادت رسید.

ماجرای از این قرار بود که هنگام پارک یک خودروی پراید آینه بغل خودرو به خانی برخورد کرد. سرشنیشان خودرو وقتی با اعتراض این زن روبه رو شدند به جای عذرخواهی شروع به فحاشی کردند و با دخالت کسبه محل و دوستان سرنشینان خودرو کار به درگیری خونینی کشیده شد در همین موقع مرد جوانی به‌نام محمد که در آن محل زندگی می‌کرد وقتی متوجه درگیری بین آنها شد برای میانجیگری وارد ماجرا شد اما ناگهان یکی از طرفین درگیری با چاقو سه ضربه به محمد وارد کرد و از محل گریخت.

پس از قتل این جوان بسیجی متهمان تحت تعقیب قرار گرفتند و حدود ۲۴ ساعت پس از وقوع این جنایت، متهم که جوانی ۱۷ ساله است در یک آرایشگاه مردانه دستگیر شد. وی مدعی شد قصد داشته بعد از خروج از آرایشگاه به اداره آگاهی برود و تسلیم شود. متهم برای تحقیق به دادسرای نوجوانان منتقل شد و به اتهام مباشرت در قتل عمد، مشارکت در نزاع دسته جمعی و ایراد ضرب و جرح غیرمتمنهی به قتل مورد تفهیم اتهام قرار گرفت اما اتهام قتل را قبول نکرد.

با این حال پسر نوجوان برای بررسی وضعیت رشد کمال عقلی به پزشکی قانونی فرستاده شد و کارشناسان پس از بررسی شخصیت و معاینات لازم وی را فاقد شرایط عقلی دانسته‌اند. این متهم دارای تحصیلات در مقطع ابتدایی بوده است و از شهرستان به تهران آمده و در یک آشپزخانه برای کسب درآمد و کمک به خانواده‌اش کار می‌کرد. درحال حاضر با توجه به اینکه متهم به سن قانونی نرسیده به کانون اصلاح و تربیت منتقل شده است تا زمان محاکمه‌اش برسد. اما نکته مهم در این پرونده این است که این نوجوان به نوعی تحت تأثیر صاحبکارش بوده به این خنایت طرفه از دست چون در آن سن نوجوانان بیشتر احساسی و هیجانی تصمیم می‌گیرند و به نوعی نیز شاید چون صاحبکارش در این درگیری حضور داشته فکر می‌کرده که باید از او طرفداری کند غافل از اینکه آینده و زندگی خودش را تپاه کرد.